

اخبار حوادث

مرگ تلخ ۲ جوان در زابل

فرمانده انتظامی شهرستان زابل از جان باختن ۲مرد جوان در پی مسمومیت شدید با گاز منواکسیدکربن خبر داد.
سرهنگ احمد ثمره حسینی گفت: یک مرگ مشکوک در روستای «قاسم آباد» از توابع شهرستان زابل به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ گزارش وبلافاصله تیمی از ماموران کلانتری ۱۳ به‌همراه‌دیگرنیروهای امدادی برای بررسی موضوع به محل حادثه اعزام شدند. وی افزود: در بررسی‌های عوامل انتظامی در محل حادثه مشخص شد جوانی ۲۲ساله به‌نام مصطفی در پی انتشار گاز منواکسیدکربن در داخل حمام دچار گاز گرفتگی شده و نوجوانی ۱۶ساله به‌نام رضا که برای کمکش به‌داخل حمام رفته نیز دچار گاز گرفتگی و قبل از رسیدن نیروهای امدادی جان باختند.فرمانده انتظامی شهرستان زابل عنوان کرد: جسد افراد متوفی توسط عوامل امدادی به‌سردخانه بیمارستان امیرالمومنین (ع) شهر زابل منتقل و پرونده قضائی تشکیل شد.سرهنگ ثمره حسینی از شهروندان خواست در استفاده از وسایل گرمایشی گازسوز نکات ایمنی را رعایت تا دچار حوادث تلخ و جبران‌ناپذیر نشویم



درگیری مسلحانه با یک مجروح در شیروان

فرمانده انتظامی خراسان شمالی از درگیری مسلحانه در شهرستان شیروان خبر داد. سردار علیرضا مظاهری فرمانده انتظامی خراسان شمالی گفت: در پی تماس بامرکز فوریت‌های پلیسی مبنی بر یک‌مورد درگیری مسلحانه در یکی از روستاهای شهرستان شیروان بلافاصله ماموران انتظامی در محل حاضر شدند. وی با بیان اینکه شامگاه دوشنبه ۱۰دی ماه، درگیری مسلحانه‌ای در یکی از روستاهای شهرستان شیروان منجر به مجروح شدن یک پسر بچه ۱۲ساله شد، گفت: متأسفانه ضارب قبل از رسیدن ماموران از محل متواری شده بود. سردار مظاهری گفت: ساعاتی پیش درگیری مسلحانه بین دو خانواده در یکی از روستاهای شهرستان شیروان رخ داد. فرمانده انتظامی استان با بیان این که علت این درگیری خصوصت قبلی بوده، گفت: در این درگیری، یک نوجوان ۱۳ساله زخمی شد که به بیمارستان شهرستان شیروان اعزام شد. وی گفت: عوامل این درگیری شناخته شده‌و تحت تعقیب هستند.



نجات ۳ جوان مفقودی در ارتفاعات ممسنی

معاون امداد و نجات هلال احمر استان فارس از نجات سه جوان مفقودی در ارتفاعات شهرستان ممسنی توسط نجاتگران هلال احمر استان پس از ۶ساعت خبر داد. قدرت‌الله جمالی گفت: ظهر دوشنبه(۱۰دی) گزارشی مبنی بر مفقود شدن سه جوان حدود ۲۰ساله از اهالی روستای جویجان جلاوید شهرستان ممسنی که روز یکشنبه به منطقه سرحد تنگ‌الله رفته بودند، اعلام شد. وی ادامه داد: بلافاصله یک تیم ۵نفره امداد و نجات کوهستان جمعیت شهرستان سپیدان به منطقه اعزام و پس از تحقیقات لازم، جست‌وجو آغاز شد.

معاون امداد و نجات هلال احمر فارس عنوان کرد: همچنین یک تیم از پایگاه جمعیت هلال احمر استان و یک تیم پشتیبان از هلال احمر شهرستان ممسنی به منطقه اعزام شد تا عملیات با توان بیشتری ادامه یابد. جمالی خاطر نشان کرد: نجاتگران هلال احمر پس از پیمودن مسیری‌های صعب‌العبور و کوهستانی با در بیش از ۶ساعت تاش و جستجو موفق به پیدا کردن افراد مفقودی شدند. وی با بیان اینکه خوشبختانه این سه جوان در سلامت کامل قرار دارند، گفت: نجاتگران این افراد را به منطقه انتقال دادند.



فروش اسلحه به تبهکاران تهرانی در اسباب بازی فروشی قیطر به

رئیس کلانتری ۱۰۱ تجریش از دستگیری مرد اسباب بازی فروشی خبر داد که اسلحه قاچاقی را به باندهای تبهکاران می فروخت. سرهنگ عباسعلی ابراهیمی اظهار داشت: چندی پیش گزارشی به دست مأموران کلانتری ۱۰۱ تجریش رسید که در یک مغازه اسباب بازی فروشی صاحب مغازه اقدام به فروش اسلحه های قاچاقی که شباهت زیادی به اسلحه های واقعی دارد، می کند. وی افزود: با توجه به حساسیت ماجرا مأموران کلانتری تحقیقات گسترده ای را در این زمینه آغاز کردند و با کنار هم گذاشتن همه سرنخ های به دست آمده سرانجام موفق به شناسایی مغازه مورد نظر در منطقه قیطر به تهران شدند. سرهنگ ابراهیمی گفت با شناسایی مغازه مورد نظر مأموان با هماهنگی های لازم موفق به دستگیری مرد مغازه دار و کشف ۲۰ اسلحه قاچاقی که شباهت زیادی به اسلحه های واقعی و جنگی داشت شدند.

قرار داشت. پیگیر ماجرا نشدم چون اصلا فکر نمی کردم همسرم قصد چنین کاری داشته باشد. خانه مادر طبقه سوم است. راهی به غیر از راه پله و در ورودی ندارد که کسی بتواند وارد خانه شود. آن روز هم تنها همسر و فرزندم در خانه بودند پس این حادثه از سوی همسرم اتفاق افتاده و کسی دیگری در خانه نبوده است.

وی در رابطه با اخلاقیات همسرش به دادگاه گفت: زمانی که فرزندم خیلی کوچک بود یک روز به خانه آمدم و متوجه شدم مچ دست او آسیب دیده است. علت را پرسیدم که سمیه گفت دستش را گرفتم در رفت و آسیب دید. من حرف همسرم را باور کردم و او را به بیمارستان بردم. اما حالا با این اتفاق فهمیدم در آن حادثه هم سمیه مقصر بوده است.

بنابه این گزارش، در پایان جلسه هیات قضایی وارد شور تا به زودی حکم صادر کند.

ابتدای جلسه خواهر شوهر سمیه در جایگاه قرار گرفت و بار دیگر شکایتش را مطرح کرد.

وی گفت در این ماجرا پوست صورت تم آسیب دیده و قسمتی از حس شنوایی و بینایی ام را از دست داده‌ام به همیسن خاطر و برسی از زن برادرم درخواست مجازات دارم.

سپس سمیه بار دیگر جرمش را انکار کرد و گفت: «همه این حرف ها دروغ است و من عامل اسید پاشی نبودم. اصلا از لباس هایی که او می گوید خبر ندارم و آنها را ننپوشیدم. الان دو سال است که شوهرم و خانواده اش اجازه نمی دهند فرزندم را ببینم. من بی گناهم و بی دلیل در زندان مانده‌ام.

سپس شوهر سمیه نیز به عنوان مطلع در جایگاه قرار گرفت و گفت: من در خانه لباس سربازی داشتم. یک هفته قبل از حادثه متوجه شدم لباس ها در میان رختخواب ها پنهان شده است. کنار لباس ها یک بسته پودر اسید هم



به همین خاطر دلم برایش سوخت و به او گفتم به خانه ما بیاید تا پول را به او بدهم. اما وقتی به خانه مان آمد یک باره به سراغ شوهرم رفت و او را با چکش کشت. من هنوز از به خاطر آوردن صحنه کشته شدن همسرم شوکه هستم. باور کنید من در قتل شوهرم دستی نداشتم.

حکم دادگاه

در پایان جلسه هیات قضایی وارد شور شد و حامد به قصاص و سحر را به ۵سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم کرد. هر دوی آنها نیز به خاطر رابطه پنهانی به شلاق محکوم شدند.

می‌خواستم با او صحبت کنم داد و فریاد می کرد و مرا کتک می زد. به پدر و مادرم گفته بودم قصد جدایی دارم اما مادرم حاضر به طلاق نبود و تهدیدم کرده بود اگر از شوهرم جدا شوم خودکشی می کند. به همین خاطر مجبور بودم بد اخلاقی ها شوهرم را تحمل کنم. وی ادامه داد: من حامد را از قبل از ازدواج می شناسختم و به او علاقه مند بودم. ما گاهی اوقات با هم تلفنی در تماس بودیم. او آن روز به من پیامک داد و از من خواست تا برای برگزاری مراسم ختم پدرش به او پول قرض بدهم. او به تا زگی تصادف کرده بود و پولی در بساط نداشت.

با عملیات غافلگیرانه همه را بود:

دستگیری ۱۳ دزد خانه‌های اعیانی شمال تهران

گروه حوادث: اعضای یک باند سازمان یافته به صورت حرفه‌ای در شمال تهران دست به سرقت‌های اعیانی زده‌اند. روز ۱۹ خرداد ماه سال جاری مرد جوانی با حضور در کلانتری ۱۶۴ قائم‌دعا کرد که خانه‌اش هدف زدن قرار گرفته است. مرد جوان به ماموران گفت: ساعت ۴ بعداز ظهر از خانه‌مان در بلوار ارتش، کوی لاله خارج شدم و وساعت ۱۱ شب وقتی به خانه باز گشتم هر چه تلاش کردم در خانه باز نمی شد و پس از کلی تلاش و هل دادن توانستم در را باز کنم. وی افزود: پشت در وسایل خانه ریخته بودند به همین خاطر در به سختی باز می شد و در بررسی داخل خانه که همه چیز به هم ریخته شده بود متوجه شدم طلاها، جواهرات و سکه‌های طلا که ۱۵۰ میلیون تومان ارزش داشت به سرقت رفته است. مرد جوان گفت: دزدان برای فرار با تخریب در بالکن از ساختمان خارج شده بودند.

بدین ترتیب تیمی از ماموران پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران برای تحقیقات پلیسی وارد عمل شدند و در بررسی از محل سرقت سرخی از دزدان به دست آمد و مشخص شد یکی از سارقان حرفه‌ای که نجف‌نام دارد در این سرقت نقش داشته است. کار آگاهان در این با اقدامات فنی پی بردند که نجف با چند سارق خطرناک و سابقه‌دار یک باند بزرگ تشکیل داده و به صورت سازمان یافته در شمال تهران دزدی می کنند. ماموران در ادامه تجسس ها، به صورت نامحسوس نجف و همدستانش را تحت نظر قرار دادند و خیلی زود مخفیگاه دزدان در منطقه‌های فردیس، اندیشه و مرکز تهران شناسایی شد.

کار آگاهان در عملیاتی غافلگیرانه و همزمان نجف و برادرش مسعود و یعقوب و برادرش اکبر همراه ناصر و ۶ تن

شده بود شستم و به دروغ به پدر شوهرم گفتم شوهرم ناپدید شده است. با اعترافات تکانه‌نده تازه عروس جنازه نیز در بیابان های جهان آباد کشف شد.

تصمیم دادگاه

به این ترتیب و به دنبال بازسازی صحنه جرم برای حامد به اتهام قتل و برای سحر به اتهام معاونت در جنایت کیفرخواست صادر و پرونده آنها به شعبه چهارم داد گاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. آنها دیروز به ریاست قاضی اصغر عبداللهی و با حضور یک مستشار پای میز محاکمه ایستادند. در ابتدای جلسه اولیای دو برای متهمان اشد مجازات خواستند.

سپس حامد در جایگاه ویژه ایستاد و قتل را گردن گرفت. وی گفت: من تحت تاثیر حرف‌های سحر و به خاطر علاقه ای که به او داشتم شوهرش را کشتم. وقتی به خانه آنها رفتم سحر چکشی را به دستم داد و از من خواست تا کار را تمام کنم. سحر معاونت در قتل را انکار کرد و گفت: شوهرم مرد بد خلقی بود. هر بار

آگاهی تحت بازجویی قرار گرفت اما جرمش را انکار کرد و گفت نمی داند چه کسی باعث این حادثه شده است.

زهره بعد از بهبودی نسبی در طرح شکایتش به مأموران گفت: شب حادثه در خانه برادر م مهمان بودم و شب را آنجا خوابیدم. سمیه با فرزندش در اتاق خواب بود. صبح بعد از اینکه برادر م به محل کار رفت، سمیه در حالیکه لباس عجیبی به تن داشت بالای سرم ایستاد و قصد داشت مرا خفه کند. بلافاصله از جا بلند شدم و شروع به سر و صدا کردم که ناگهان او روی صورتم اسید پاشید و فرار کرد. با سر و صداهای من بود که همسایه ها بیرون آمدند و سمیه را در حال فرار دستگیر کردند.

در دادگاه

با افشای ماجرا برای عروس جوان کیفرخواست صادر و وی دیروز در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی زالی و با حضور یک مستشار پای میز محاکمه ایستاد.



حادثه زن جوان بعد از پاشیدن اسید روی صورت خواهر همسرش قصد فرار داشته که از سوی همسایگان دستگیر شده بود. زهره به بیمارستان منتقل شد و عروس خانواده به نام سمیه در پلیس

خودش را بی گناه خواند.

اسید پاشی زنانه

تابستان سال ۹۵ مأموران پلیس پایتخت از حادثه اسید پاشی در یکی از محله های افسریه با خبر و راهی محل شدند. شواهد نشان می داد در این

گروه حوادث: عروس کینه جو که به صورت خواهر شوهرش اسید پاشیده است محاکمه شد.

این زن که باعث سوختگی صورت و از بین رفتن بخشی از بینایی و شنوایی خواهر شوهرش شده است دیروز

خبر

داماد کشته شد

جنایت عروس ۱۶ساله در خیانت شوم

با یک پسر ۲۲ساله به نام حامد پی برد.

اعتراف به قتل

بدین ترتیب سحر تحت بازجویی قرار گرفت و به قتل همسرش با همدستی پسر مورد علاقه اش اعتراف کرد . با اظهارات تازه عروس نوجوان حامد بازداشت شد و قتل را گردن گرفت . وی گفت : قبل از اینکه سحر از دواج کند ما به هم علاقه مند بودم اما او به درخواست خانواده اش با حمید از دواج کرد. بعد از ازدواج او ما گاهی اوقات باهم در ارتباط بودیم. او همیشه از بد رفتاری های شوهرش گلایه می کرد به همین خاطر از من خواست تا شوهرش را بکشم . من طبق برنامه ریزی سحر به خانه او رفتم و با همدستی او شوهرش را کشتم.

سحر نیز گفت: حامد با چکش به سر همسر زد. من هم بالشتی را روی دهن همسر م نگه داشته بودم تا صدای کمک خواهی او را کسی نشنود. بعد از این که حمید جان سپرد جنازه اش را داخل پلاستیک پیچیدیم و با ماشین حامد به بیابان های جهان آباد بردیم و رها کردیم . من هم بالشتی را که خون آلود

خیانت نوعروس

به دنبال این شکایت تلاش برای به دست آمدن سر نخ ی از تازه داماد ۲۴ساله آغاز شد. در حالی که تحقیقات پلیسی نشان از اختلاف های شدید بین این تازه داماد و همسرش داشت پلیس به بررسی تماسهای همسر ۱۶ساله حمید به نام سحر پرداخت و به رابطه پنهانی او

پلیس تهران فاش کرد

خودنمایی دزد جوان برای یک دختر

گروه حوادث: دزد جوان که برای دختر مورد علاقه اش با یک کارت بانکی سرقتی دست و دلبازی کرده بود نمی دانست همین ولخرجی ها کار دستش می دهد. روز ۲۷آبان ماه سال جاری مرد جوانی پای در کلانتری ۱۲۸ تهران نو گذاشت و از اجرای سرقت داخل خودرویش پرده برداشت. مرد جوان به مامورا گفت: در خیابان نیروی هوایی بودم که برای یک لحظه از خودرویم پیاده شدم و داخل خانه رفتم و خیلی زود باز گشتم اما وقتی سوار بر خودرویم شدم دیدم گوشی موبایل، مدارک شناسایی و کارت بانکی ام که رمزش روی آن نوشته شده بود به سرقت رفته است.

سرنخ پلیسی

بدین ترتیب تیمی از ماموران پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران به دستور باز پرس پرونده برای دستگیری دزد لوازم داخل خودرو وارد عمل شدند. کار آگاهان در گام نخست به بررسی تراکتش مالی شاکي پرونده پرداختند که در این مرحله مشخص شد پس از سرقت با کارت بانکی مرد جوان در خیابان جمهوری یک گوشی گر انقیمت خریداری شده است. همین کافی بود تا ماموران پای در مغازه موبایل فروشی بگذارند و در بررسی هایی بر بندگان مرد جوانی همراه یک زن برای خرید گوشی موبایل به این مغازه مراجعه کردند و یک گوشی ۱۳ میلیون تومانی خریداری کرده اند. تیم پلیسی با اقدامات فنی و پلیسی موفق به شناسایی زن جوان که شیوا نام دارد شدند و ر ادامه خانه این زن در دزی شد.

دوستی با مرد خلافکار

کار آگاهان خیلی زود موفق به دستگیری شیوا شدند و زن جوان وقتی در برابر اتهام سرقت قرار گرفت شو که شو به ماموران گفت: چندی قبل با پسر جوانی به نام امیر آشنا شدم